

مدیریت آب به روایت تصویر



نگاه حقوقدان/ ۲

نوبت آگاهی ملی

ایرانیان در طوفان حوادث
به کدام مسیر خواهند رفت؟

آرش ملک

پژوهشگر حقوق بین‌الملل

یکی از مضامین پسندیده در شعار «ایران برای همه ایرانیان» تأکید بر تکلیف شهروندان ایران در آبادی کشورشان است؛ واقعیتی که در کنار نقد دوگانه «خودی و غیر خودی» نهفته در این شعار، غالباً مشمول غفلت بوده؛ و به این مهم که توسعه ایران جز با همت عالی ایرانیان میسر نیست کنایه می‌زند. حق ایرانی بودن، تکلیف نقش آفرینی در ترقی ایران را اقتضا دارد. چنانچه در مواجهه با مصائب هزار لایه در حکمرانی و بحران‌های تو در تو- همچون بعضی ادوار گذشته در تاریخ معاصر- به خیال و تمنا دست یازیده، و حل مسائل را از غیر خود مطالبه کنیم، فرجامی جز استمرار وضع موجود را انتظار داشتن عین خوش خیالی است. به بیان دیگر، مقدمه تغییر، آگاهی است. آگاهی از نقش و توان خود به عنوان یک شهروند و کاربست آن در اصلاح امور. رویکردی که سوی مخالف دولت‌زدگی، و انتظار از نهادهای حاکمیتی است.

تحقق مشروطه، که به یکصد و نوزدهمین سالگرد امضای فرمان آن رسیدیم نتیجه آگاهی تاریخی ایرانیان از حقوق بنیادین ایشان بود. این آگاهی سبب شد مقام رعیت به نفع شهروندی مستحیل شده، و بحران قدرت مطلق پادشاه در یک لحظه تاریخی به «حکومت قانون» بدل شود تا دوره‌ای جدید از تاریخ سیاسی در ایران شکل بگیرد. برپایه نیست اگر بگوییم ایران امروز بیش از هر زمان دیگری از تاریخ معاصر گرفتار بحران‌ها است؛ بحران‌های متعدد و کلانی همچون استنباط متشتت از مفهوم و اقتضات منافع ملی، اقتصاد تحریم پایه، مجادلات سیاسی و رسانه‌ای فرسایشی، ناامیدی و انسوازی نخعیان، ناترازی در انرژی، نفوذ نهادهای اطلاعاتی خارجی و نهادینه‌سازی رانت که هر کدام به تنهایی برای فروپاشی یک دولت اروپایی نوبنیاد کفایت می‌کنند. عبور از این بحران‌ها به یک آگاهی ملی نوین محتاج است و ایرانیان باید ابتدا به ساکن باندند جز خودشان هیچ‌کس برای حل مسائلی که در زندگی جمعی با آنها روبرو هستند، قدم بر نمی‌دارد. اروپا، ایالات متحده، چین، روسیه و کشورهای عربی لحظه‌ای بیش از آنچه اقتضای منافع ملی آنها باشد به ما فکر نمی‌کنند. اپوزیسیون بیش فعال سیاسی هم که همچون مارهای خوش خط و خال به شارلاتانیسم اشتغال دارند- به فرض اختیار قدرت- گرهی از بحران‌های کنونی ایران نمی‌گشایند؛ اگر با نابحردی بر شمار این بحران‌ها اضافه نکنند.

انگلیسی‌زبانان گفته‌ای دارند که امروز ما را بسیار به کار می‌آید: «شهر ژم در یک شبانه‌روز ساخته نشد». باید واقع بین باشیم و بپذیریم که توسعه ایران هم در کوتاه‌مدت قابل حصول نیست و اقدامی که در حل مسائل و عبور از بحران مؤثر باشد پیامد بلندمدت خواهد داشت. خواسته یا ناخواسته، امروزه در کشوری زندگی می‌کنیم که در نتیجه تصمیمات نادرست اوضاع خوبی ندارد. اگر خواهان تغییر این وضع هستیم باید خود را در کانون حل مسائل ببینیم. آن لحظه که عموم ایرانیان نقش خود در عبور از این بحران‌ها را در می‌یابند یک آگاهی جدید اتفاق می‌افتد. آن زمان است که اراده متمرکز و باور نتیجه‌بخش به تغییرات قطعی منتهی خواهد شد.

ایران ساخته نمی‌شود مگر با پذیرش جایگاه فعلی و تلاش خستگی‌ناپذیر برای رفع موانعی که در طول دهه‌ها در مسیر توسعه انباشته شده‌اند. اینکه آینده چه باشد محصول انتخاب ما و مسیری است که بر می‌گزینیم. برای استمرار بحران‌ها باید از نقش آفرینی اجتماعی کناره گرفت و همه چیز را به گردن دولت انداخت. اما برای حرکت در راه تغییر، گریزی نداریم جز بازشناسی خویشتن و تحقق یک آگاهی ملی.

طول می‌کشد و مقاومت‌سازی ساختمان‌ها بین یک و نیم تا دو سال، تازه اگر مالکان رضایت دهند. صاحبان بعضی از ملک‌هایی که در ردیف مقاومت‌سازی قرار گرفته می‌گویند که خانه ما فرسوده بوده و با مقاومت‌سازی امنیت ما ایجاد نمی‌شود و باید حتماً ملک مانوسازی شود. بنابراین تا شهرداری به صورت قطعی و واحد به واحد با مالکان به توافق نرسد، هم آمار تغییر پیدا می‌کند، هم بودجه بازسازی‌ها، احتمالاً شهرداری تا ۴، ۵ ماه آینده درگیر رسیدگی و توافق با مالکان شود. بعد ممکن است عملیات اجرایی شروع شود که طبعاً به سال آینده و دوره بعدی مدیریت شهری منتقل می‌شود.» او در پاسخ به این سوال که چقدر نگاه‌های سیاسی در قبول این مسئولیت دخیل بوده؟ گفت: «اجازه بدهید که مانیت‌خوانی نکنیم و بگوییم نیت خیر بوده و در این شرایط دولت با مشکلات بسیاری روبرو است.» آمانی تأکید کرد: «درست است که تهران بیشترین آسیب را دیده و شهرهای بزرگ زیادی مانند اصفهان، تبریز، کرمانشاه، قم، کرج و... در این زمینه آسیب دیده‌اند. احتمال می‌دهم که دولت به طور کامل تمرکز خود را به این شهرها اختصاص داده و تهران را کامل به شهرداری سپرده است. هدف رفع مشکل و خدمت به مردم است. ما مخالفتی نداریم اما معتقدیم که شهرداری در این خصوص باید در چارچوب قانون پیش برود و قواعد به دلیل این اقدام به هم نخورد.»

تبلیغات آسیب بزرگ بازسازی‌ها

مهدی اقراریان، رئیس کمیته حقوقی شورای شهر



تهران نیز در پاسخ به این سوال که شورای شهر پایتخت روی بازسازی‌ها و تبلیغاتی که برای آن انجام می‌شود نظارت دارد؟ به هم می‌پنجد گفت: «شهرداری تهران به صورت

داوطلبانه مسئولیت بازسازی‌ها را در شهر تهران بر عهده گرفته است. من این اقدام شهرداری را در راستای کمک به دولت می‌دانم. به هر حال دولت در شرایطی قرار گرفته که با مشکلات متنوع و گوناگونی مواجه و فرآیندها به دلیل نظام بوروکراتیک در دولت طولانی است.» او با بیان اینکه در شهرداری فرآیندها ساده‌تر است، افزود: «اصل موضوع را مناسب می‌دانم چرا که در این حوادث جمعی از شهروندان آسیب دیده‌اند و قبلاً هم اعلام کردیم که وظیفه داریم در کنار شهروندان مان باشیم تا آلام و مشکلاتی که در پی این حوادث پیش آمده کاهش یابد. هر چند که به صورت کامل بعضی از آسیب‌ها قابل جبران نیست چرا که در بعضی از خانواده‌ها عزیزی شهید شده است و یا خانه آنها کاملاً تخریب شده و بازسازی آن زمان زیادی می‌برد.» رئیس کمیته حقوقی شورای شهر تهران با اشاره به اینکه شهرداری تهران می‌توانست دورویکرد را دنبال کند، تأکید کرد: «رویکرد اول اینکه در چارچوب وظایف خود عمل کند. به این معنا که این مسئولیت بر عهده دولت باشد. رویکرد دوم این بود که به دولت کمک کند. شهرداری رویکرد دوم را انتخاب کرد و من اصل این اقدام را درست می‌دانم اما باید به چند مسئله توجه کرد. یکی از آنها نظارت بر عملکرد شهرداری است. در آخرین جلسه کمیسیون نظارت و حقوقی شورای شهر تهران از شهردار منطقه ۴ دعوت کردیم تا از روند بازسازی‌ها گزارشی ارائه کند. چون بیشترین خسارت‌های مسکونی در منطقه ۴ تهران رخ داده است. ما اعضای شورای شهر تهران نیز از این مناطق بازدید کرده ایم. با بسیاری از شهرداران تماس داریم و فعالیت‌های آنها را رصد می‌کنیم. البته به برخی از این ملک‌های برای بازگشت به شرایط قابل استفاده زمان بر است. از سوی دیگر بودجه‌ای برای این موضوع پیش بینی نشده بود و باید از محل بودجه‌های حوادث غیر مترقبه که محدود است استفاده شود.»

اقراریان افزود: «نکته‌ای که مهم است اینکه نباید شهرداری تهران در حوزه اطلاع‌رسانی به نحوی عمل کند که برداشت از عملکرد درست شهرداری به این سمت سوق پیدا کند که این اقدام شهرداری ابعاد دیگری و یا جنبه‌های انتخابیاتی و سیاسی دارد. این مسئله و تذکر مهم است و باید به آن توجه کرد که با اقدامات رسانه‌ای به این کار خوب آسیب نزنیم و از ظرفیت‌های کشور در راستای همدلی استفاده کنیم. این نقد را به دوستان منتقل کردم اما به نظر می‌رسد شهرداری تهران بر رویکرد خود درباره اقدامات رسانه‌ای اصرار دارد. این اصرار شهرداری باعث شده که بخشی از شورای شهر تهران با برخی از مصوبات شهرداری همراهی نمی‌کند.»

ولی قبلاً آژیرها را جمع کردند. مسئولان امنیتی شهر باید درباره این مسئله تصمیم‌گیری کنند. بحث دیگر این است که الان باهم باید از همان آژیرهای قدیمی استفاده کنیم یا می‌توان از تلفن همراه استفاده کرد که نیازی به تولید صدای خاصی ندارند، چون بعضی‌ها می‌گویند که کشیدن آژیر منجر به ایجاد نزاراحتی و استرس در مردم می‌شود و موافق انجام این کار نیستند.» او افزود: «قبول داریم که در تهران پناهگاه نداریم، ولی در برخی کشورها مثل سوئیس در همه جا پناهگاه وجود دارد و حتی پناهگاه‌های خیلی مفصل‌تر از بمباران‌های معمولی را هم پیش‌بینی کرده‌اند و روی آن کار می‌کنند. همین ۱۱۰ سوله بحران که در شهر تهران ایجاد کرده‌ایم، نگهداری و تجهیز آن‌ها نیاز به دستورالعمل خاصی دارد و هر هفته باید موتور برق آن را روشن کنند و باید برای یک هفته غذای خشک در این سوله‌ها نگه‌دارند که در صورت لزوم، مردم بتوانند از آن‌ها استفاده کنند. بنابراین صرف ساخت یک پناهگاه کافی نیست و باید اقدامات خاصی برای نگهداری و تجهیز آن انجام شود.»

رئیس شورای شهر تهران گفت: «پناهگاه‌ها باید در جای درست و مناسب ساخته شوند و روی آن‌ها حداقل یک طبقه خاک ریخته شود تا موشک‌ها عبور نکنند. در زمان دفاع مقدس، پناهگاه‌هایی در بیمارستان‌های ما ساختیم که روی آن‌ها خاک کوبیده و سپس قطعات بتنی قرار می‌دادیم تا موشک‌های دشمن از آن عبور نکنند. ولی باهم صدام موشک‌های سوزمانه روی این پناهگاه‌ها می‌ریخت. امروزه سلاح‌ها فرق کرده است و بمب‌های سنگر شکنی ساخته‌اند که می‌تواند تا ۳۵ متر در عمق زمین نفوذ کند و آنجا منفجر شود. برای ساخت پناهگاه در تهران باید به این مسائل هم فکر کنیم و کار به این راحتی نیست.» چمران با اشاره به ساخت پناهگاه افزود: «قرار شد پناهگاه‌های موجود شناسایی و احیا شود؛ به‌طوری که اگر نیازی هم به آنها نبود باز به متروکه تبدیل نشوند. در کمسیون ماده ۵ به ساختمان‌های دارای واحدهای زیاد و یک شهرک تأکید شد که باید پناهگاه عمومی ساخته شود؛ به‌طوری که به عنوان سالن اجتماعات هم قابل استفاده باشد. برنامه‌ای در حال تنظیم است. بعد از جنگ خواستیم که یک پناهگاهی برای نفت‌ها موشک بلکه هسته‌ای ساخته شود که نیمه‌کاره ماند و توصیه کردیم سریع آن را تمام کنند. مترو برای پناهگاه ساخته نشده است اما در دستورالعمل‌ها اعلام کردیم که ایستگاه‌ها را برای پناه مردم آماده کنند. البته به جز در شرق شهر از متروها استقبال نشد. مردم ما احساس پناهگاه رفتن نداشتند، به جای پناهگاه به پشت‌بام رفتند.»



عکس: مرصیه سلیمانی-ایران

عکس نوشت

محسن ول کن

درباره عکسی از محسن حاجی‌میرزایی در کنار کسی غیر از پزشک

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

دیروز روی خط خبرگزاری عکس عجیبی منتشر شد. در حقیقت با انتشار این عکس مشخص شد که بالاخره و پس از مدت‌ها رئیس‌جمهور توانست برای یختی هم که شده حضور محسن حاجی‌میرزایی را در کنار خود احساس نکند. احتمالاً جناب حاجی‌میرزایی معرف حضور همه خوانندگان این یادداشت باشد. با این حال برای آن دسته از خوانندگان که ممکن است گذری، عبوری یا همین‌طور سر راهی با این یادداشت روبرو شوند و اساساً حوصله دنبال کردن اهل سیاست را نداشته باشند عرض می‌شود که این جناب حاجی‌میرزایی رئیس دفتر مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور ایران است. رئیس دفتر رئیس‌جمهور بودن به دو دلیل سمتی تعیین‌کننده است. اول اینکه او هماهنگ‌کننده و زمان‌دهنده برنامه‌های رئیس‌جمهور است و ثانیاً اینکه او انتخاب می‌کند یا اولویت می‌دهد که کدام گزارش زودتر یا دیرتر به دست رئیس دولت برسد یا حتی در خیلی اوقات تشخیص دهد که رئیس‌جمهور در کدام مجلس حضور پیدا کند و کدام را به وقت دیگری موکول کند یا اصلاً هیچ‌وقت نرود. این نکاتی که عرض شد به این معنا است که اساساً همه فعالیت‌های رئیس‌جمهور با هماهنگی شخص رئیس دفتر انجام می‌شود. تا اینجا ماجرا مشخص شد که مسئولیت و هماهنگی بیشتر فعالیت‌های رئیس‌جمهور به عهده رئیس دفتر است. با این حال از روی رفتارشناسی همه رؤسای دفتر در سال‌های بعد از انقلاب اگر دوران «محمدعلی ابطحی» را فاکتور بگیریم مشخص می‌شود که هیچ‌کدام از این بزرگواران خودشان را با این شدت و حدت ضمیمه رئیس‌جمهور نکردند. این شدت و حدتی که عرض کردم یعنی از همان روزی که پزشک‌پایش را به پاس‌تور گذاشت شخص رئیس دفتر چنان به ایشان چسبیده که جای نفس کش نگذاشته است. اما ظاهراً چند وقتی است که پزشک‌پایش به خودش آمده. چند روز پیش به جعفر گفت ول کن و احتمالاً دیروز به محسن. همه این‌ها را که نوشتیم بلاتشبیه یاد حدیثی از پیغمبر افتادم بنابراین این نوشته را با ذکر آن حدیث تمام می‌کنم و از خدا می‌خواهم که عاقبت مملکت را ختم به خیر کند. ان‌شاءالله. نقل است که ابوهریره، هر روز به خدمت پیامبر (ص) می‌رفت. ظاهراً در یکی از این روزها حضرت، آب‌هَریره را خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: یا آب‌هَریره! زُرَنی غِبْنا، تَزَدُّ حُبْنا. هر روز می‌تا محبت زادات شود.

